

# چالش پایداری منابع صندوق‌های اجتماعی

بازنشتگی پیش از موعد و کوتاه شدن دوره پرداخت حق بیمه، منابع صندوق‌های تأمین اجتماعی را تحت فشار قرار داده و نیازمند اقدامات فوری است



می‌کند. تعداد بیشتری از بازنشستگان برای دهه‌ها حقوق دریافت می‌کنند، در حالی که سال‌های کمتری حق بیمه پرداخت شده است؛ معادله‌ای ساده، اما هزینه‌زا که کاهش ذخایر و افزایش کسری بودجه را به دنبال دارد.

افزایش مصارف ناشی از ناهماهنگی بین بیمه‌پردازی و مستمری‌های بلندمدت، به طور مستقیم بر منابع تأمین اجتماعی فشار می‌آورد و ناترازی را تشدید می‌کند. محمد محمدی، معاون بیمه‌ای سازمان، روز ۱۹ آبان در نشست آسیب‌شناسی علل دعاوی مطرح‌ده در دیوان عدالت اداری تأکید کرده که رفع ناترازی و پایداری منابع دواصل اساسی برای صیانت از تأمین اجتماعی هستند و برای جبران کاهش هر یک درصد ضریب نسبت پشتیبانی، جذب ۲ میلیون بیمه‌شده جدید ضروری است. بسیاری از پرونده‌های مستمری به دلیل قوانین دو دهه اخیر حوزه بازنشستگی و حمایت از خانواده، دیگر مختومه نمی‌شوند.

پیامد این ناترازی، «سه‌گانه» کسری بودجه، فشار تورمی و کاهش کیفیت خدمات است. کاهش توان مالی سازمان می‌تواند به کاهش مستمری‌ها، افزایش سن بازنشستگی و افت خدمات درمانی منجر شود و معیشت میلیون‌ها مستمری‌بگیر را تهدید کند. متوسط دوره پرداخت مستمری بیش از ۳۴ سال و متوسط سابقه بیمه‌شدگان تنها ۱۰ سال است؛ چگالی پرداخت حق بیمه در سال ۱۰، ماه و ضریب پوشش بیمه‌ای کشور ۷۷ درصد برآورد شده است.

همچنین، ۶۴۰ هزار بیمه‌شده امسال و سال آینده شرایط بازنشستگی دارند و بیش از یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر با ۲۵ تا ۲۵ سال سابقه، عمدتاً از مشاغل سخت و زیان‌آور، به جمع بازنشستگان خواهند پیوست. این روند، سازمان را در معرض فشارهای بی‌سابقه مالی و عملیاتی قرار داده و ضرورت چاره‌اندیشی فوری را آشکار می‌کند.

پایداری صندوق‌های بیمه‌ای، گویی بر لبه تیغی ناپیدا حرکت می‌کند؛ جایی که تراز منابع و مصارف نه تنها شاخصی مالی، بلکه معیار بقای این نهادهای حیاتی اجتماعی است. هرگونه اختلال در این تعادل، تداوم حیات صندوق‌ها را با چالش‌های عمیق و فراگیر مواجه می‌سازد. ستون اصلی این تعادل، تناسب دقیق بین دوره بیمه‌پردازی و مدت دریافت مستمری بازنشستگی است؛ سازوکاری که به عنوان قلب تپنده بیمه‌های اجتماعی، سلامت مالی و توان پرداختی آن‌ها را تضمین می‌کند؛ اما در دهه‌های اخیر، تغییرات شگرفی در این معادله رخ داده است. متوسط سال‌های بیمه‌پردازی کاهش یافته و در نقطه مقابل، طول دوره دریافت مستمری بازنشستگان به طور قابل توجهی افزایش یافته است. این دو جریان موازی، با فشار بی‌سابقه‌ای بر منابع صندوق‌ها، ناترازی را رقم زده و چشم‌انداز تأمین اجتماعی را به مسیری پرخطر هدایت کرده است. ریشه‌های این تحول روشن است: بیکاری ساختاری، گسترش اشتغال غیررسمی، گرایش به بازنشستگی زودهنگام و بهره‌گیری از طرح‌های پیش از موعد، همه سهمی تعیین‌کننده در کاهش متوسط دوره بیمه‌پردازی دارند. همزمان، امید به زندگی طولانی‌تر و افزایش میانگین سنی، مدت‌زمان دریافت مستمری را طولانی‌تر کرده و صندوق‌ها را با کسری درآمد و فشار هزینه‌ای بی‌سابقه روبه‌رو ساخته است.

## سه‌گانه ناترازی

سازمان تأمین اجتماعی که بیش از ۴ میلیون و ۹۰۰ هزار مستمری‌بگیر را تحت پوشش دارد، امروز با بحرانی عمیق در منابع و مصارف مواجه است. کاهش متوسط دوره بیمه‌پردازی در مقابل افزایش طولانی‌مدت مستمری‌بگیری، ساختاری نامتعادل ایجاد کرده که فشار سنگینی بر منابع این صندوق عظیم وارد

## راهکار پایداری در صندوق بازنشستگی کشوری

نسبت بیمه‌پردازان به بازنشستگان صندوق بازنشستگی کشوری با ضریب ۰.۴۷ درصد، نشان از بحران در توازن مالی و نیاز فوری به اصلاحات دارد

صندوق بازنشستگی کشوری با ضریب پشتیبانی ۰.۴۷ درصدی مواجه است. این رقم نسبت بیمه‌پردازان به بازنشستگان را نشان می‌دهد و از منظر کارشناسان، بحرانی جدی در پایداری مالی صندوق به شمار می‌آید. تجربه بین‌المللی نشان می‌دهد یک صندوق بازنشستگی پایدار به ضریب پشتیبانی حداقل ۲ نیاز دارد و در سطح مطلوب این عدد بین ۶ تا ۱۷ است. وضعیت فعلی صندوق کشوری فاصله زیادی با معیارهای استاندارد دارد و ریسک‌های بلندمدت ناشی از کاهش نسبت پشتیبانی به وضوح مشاهده می‌شود. این نسبت پایین، فشار مضاعفی بر منابع صندوق وارد می‌کند و امکان مدیریت بلندمدت تعهدات حقوق‌بگیران را دشوار می‌سازد.

تا پایان بهار ۱۴۰۴، تعداد حقوق‌بگیران صندوق بازنشستگی کشوری نسبت به سال گذشته ۲.۵ درصد افزایش یافته و به بیش از یک میلیون و ۷۶۱ هزار نفر رسیده است. این آمار شامل یک میلیون و ۴۳۰ هزار بازنشسته، بیش از ۶۱ هزار شاغل متوفی، حدود ۲۵۶ هزار بازنشسته

متوفی و نزدیک به ۱۳ هزار از کارافتاده می‌شود. بیشترین تعداد حقوق‌بگیران به استان‌های تهران با ۳۳۹ هزار نفر، خراسان رضوی با ۱۴۰ هزار نفر و اصفهان با ۱۲۰ هزار نفر تعلق دارد و کمترین تعداد نیز مربوط به ایلام، خراسان شمالی و قم است. ترکیب حقوق‌بگیران نشان می‌دهد ۸۱ درصد بازنشسته، ۱۸ درصد متوفی و تنها یک درصد از کارافتاده هستند. درصد بسیار کمی از کارافتادگی‌ها ناشی از فعالیت شغلی است و در حالت شاغل متوفی نیز بیشترین فوت‌ها غیرناشی از کار محسوب می‌شود. از منظر جنسیتی، ۶۵ درصد جامعه حقوق‌بگیران مرد و ۳۵ درصد زن هستند. بیش از یک میلیون و ۱۳۷ هزار نفر مرد و حدود ۶۲۴ هزار نفر زن تحت پوشش صندوق قرار دارند. این نسبت‌ها نشان می‌دهد که نیمی از بار پرداخت‌ها بر دوش مردان است و بخش مهمی از منابع صندوق به گروه‌های بزرگ حقوق‌بگیر تعلق دارد که فشار مضاعفی بر بودجه آن ایجاد می‌کند. کارشناسان هشدار می‌دهند که با ادامه روند موجود، تراز منابع و مصارف

برداشت‌های نامناسب و مکرر دولت‌ها از منابع و مصارف بیمه‌های اجتماعی، توان تأمین اجتماعی را کاهش داده و هزینه‌های قابل توجهی به آن تحمیل کرده است.

ادامه این روند، صندوق‌ها را در پرداخت مستمری سال‌های آینده ناتوان کرده و کیفیت خدمات درمانی، بیمه‌ای و رفاهی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بی‌اعتمادی ذینفعان را به بالاترین حد خود می‌رساند. «این وضعیت، زنگ خطری روشن برای تراز منابع و مصارف بزرگ‌ترین صندوق بازنشستگی کشور و امنیت اجتماعی میلیون‌ها نفر است.

## کلید نجات تأمین اجتماعی

سازمان تأمین اجتماعی در نقطه‌ای حساس از تاریخ فعالیت خود قرار گرفته است؛ جایی که اصلاح ساختار حکمرانی صندوق‌های بیمه‌ای، بازنگری در محاسبات بیمه‌گری، مقابله با اشتغال غیررسمی و افزایش بهره‌وری اقتصادی، نه صرفاً توصیه‌ای کارشناسی، بلکه ضرورتی حیاتی برای بقا به شمار می‌رود. شفافیت در مدیریت دارایی‌ها، استقلال از بودجه دولتی و بررسی تدریجی سن بازنشستگی در چارچوب امید به زندگی، از جمله راهکارهای ساختاری است که می‌تواند مسیر پایداری صندوق‌های بیمه‌ای را هموار کند.

یکی از مؤثرترین اقدامات کوتاه‌مدت، پرداخت بدهی‌های کلان دولت به تأمین اجتماعی است؛ بدهی‌ای که عمدتاً ناشی از تعهدات پرداخت سهم بیمه کارکنان و دیگر الزامات قانونی طی سال‌ها انباشته شده است. تزریق این منابع نه تنها امکان پرداخت به‌موقع و کامل مستمری‌ها را فراهم می‌آورد، بلکه سرمایه‌گذاری آن در بخش‌های مولد می‌تواند درآمدهای پایدار و بلندمدت صندوق‌ها را تأمین کرده و وابستگی آن‌ها به حق‌بیمه را کاهش دهد.

کارشناسان بیمه‌های اجتماعی هشدار می‌دهند که پیشی گرفتن مصارف بر منابع، صندوق‌های بازنشستگی را به سوی ورشکستگی هدایت می‌کند و برنامه‌ریزی دقیق برای تناسب میان بیمه‌پردازان، دوره بیمه‌پردازی و سطح دستمزد امری الزامی است. دولت‌ها به عنوان بزرگ‌ترین ذینفع و پشتیبان صندوق‌های بیمه‌ای، نقش کلیدی در تأمین منابع و استمرار خدمات گسترده به بیش از ۵۰ میلیون بیمه‌شده و مستمری‌بگیر دارند؛ امروز تأمین اجتماعی بیش از ۹۰۰ هزار از دولت‌طلبکار است و این مطالبات پرداخت‌نشده توتان عملیاتی و مالی صندوق را به شدت تضعیف کرده است.

تحلیل‌های جدید نشان می‌دهد جمعیت فعال بیمه‌شده به سرعت به جمعیت بازنشسته نزدیک می‌شود؛ روندی که در دهه‌های آینده می‌تواند نسبت بیمه‌شده به مستمری‌بگیر را به یک به یک برساند. جهانی، کارشناس بیمه‌های اجتماعی، تأکید می‌کند که این وضعیت، زنگ خطری جدی برای تعادل مالی-بزرگ‌ترین صندوق بازنشستگی کشور است؛ صندوقی که همزمان با پرداخت مستمری، خدمات بیمه تکمیلی، درمانی و رفاهی را نیز ارائه می‌دهد. بدون پرداخت بدهی‌های دولت و اصلاح ساختارهای بنیادین، بحران منابع و مصارف تأمین اجتماعی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود و کیفیت زندگی میلیون‌ها مستمری‌بگیر و بیمه‌شده را تهدید خواهد کرد.

صندوق بازنشستگی کشوری در کوتاه‌مدت با مشکلات جدی مواجه خواهد شد و اقدامات اصلاحی فوری ضروری است. وزارت آموزش و پرورش بیشترین سهم را در تعداد حقوق‌بگیران دارد و ۶۴ درصد مجموع افراد تحت پوشش صندوق را شامل می‌شود. حقوق‌بگیران این وزارتخانه بالغ بر یک میلیون و ۱۳۰ هزار نفر هستند و پس از آن وزارت بهداشت با حدود ۱۳ درصد، وزارت جهاد کشاورزی بیش از ۴ درصد و وزارت راه و شهرسازی دیگر وزارتخانه‌ها بیشترین سهم را تشکیل می‌دهند. در سوی دیگر، گروه‌های خویش‌فرما با تنها حدود ۱۳۰۰ نفر کمترین تعداد حقوق‌بگیر را دارند. این توزیع ناعادلانه نشان‌دهنده تمرکز بالای منابع صندوق بر یک گروه بزرگ است و تأمین مالی طولانی‌مدت صندوق را با چالش روبه‌رو می‌کند. روند افزایش بازنشستگان و رشد حقوق‌بگیران فشار صندوق بازنشستگی کشوری را تشدید می‌کند و بدون اصلاح منابع و مشارکت شاغلان، توازن مالی تهدید شده و پرداخت‌ها با بحران مواجه خواهد شد.



علیرضا حیدری

کارشناس رفاه

## تأمین اجتماعی زیر فشار کارفرمایان

تأخیر در پرداخت حق بیمه‌ها از سوی کارفرمایان، چالشی جدی برای سازمان تأمین اجتماعی ایجاد کرده است. این سازمان بخش عمده‌ای از منابع خود را از محل وصول حق بیمه کارگران تأمین می‌کند و هرگونه تأخیر یا عدم پرداخت، اجرای تعهدات کوتاه‌مدت و بلندمدت را با اختلال مواجه می‌سازد. گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد میزان بدهی کارفرمایان بخش خصوصی به سازمان تأمین اجتماعی نزدیک به ۱۱۵ هزار میلیارد تومان است؛ رقمی که در برابر تعهدات ماهانه حدود ۱۲۵ هزار میلیارد تومانی سازمان سنگینی می‌کند. این بدهی‌ها تنها بخشی از مشکل را تشکیل می‌دهند و بدهی‌های دولت به سازمان نیز فشار مضاعفی بر منابع نقدی تأمین اجتماعی وارد می‌کند.

کمبود منابع ناشی از تأخیر در پرداخت حق بیمه‌ها، سازمان را در اجرای تعهدات درمانی با مشکل مواجه می‌سازد. بخش درمانی حدود ۲۵ درصد مصارف تأمین اجتماعی را تشکیل می‌دهد و تأخیر در تأمین منابع، پرداخت‌ها به مراکز طرف قرارداد و دانشگاه‌ها را به تعویق می‌اندازد. نتیجه این تأخیر، اختلال در ارائه خدمات به بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران است و در مواردی ممکن است برخی خدمات به طور موقت دچار وقفه شود. پرداخت مستمری بازنشستگان نیز تحت تأثیر مستقیم این کسری‌ها قرار می‌گیرد. برخی کارفرمایان حق بیمه کارگران خود را به روزهای پایانی ماه موقوف می‌کنند و این روند، توان سازمان برای پرداخت به‌موقع مستمری‌ها را کاهش می‌دهد. تأمین اجتماعی برای جبران کسری منابع، ناگزیر به استفاده از ابزارهای هزینه‌بر و موقت می‌شود که فشار مالی نهاد را بیشتر می‌کند. تأخیرهای کارفرمایان بخش خصوصی می‌تواند انجام تعهدات سازمان در قبال حدود ۴۸ میلیون بیمه‌شده و مستمری‌بگیر را با مخاطره جدی مواجه کند. این مسأله در شرایطی اهمیت بیشتری می‌یابد که دولت به عنوان کارفرمای بزرگ نیز پرداخت حق بیمه گروه‌های تحت حمایت خود را به تأخیر می‌اندازد. بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی سالانه حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان است و در سال‌های گذشته بخش عمده‌ای از این پرداخت‌ها انجام نشده است.

میزان بدهی دولت بیش از ۱۰ برابر بدهی بخش خصوصی است و همین امر فشار مضاعفی بر نقدینگی سازمان وارد می‌آورد. در نتیجه، سازمان تأمین اجتماعی تحت فشار منابع نقدی قرار دارد و برای انجام تعهدات خود از جمله پرداخت مستمری و تأمین خدمات درمانی، ناگزیر به مدیریت بحران نقدینگی است. این شرایط باعث می‌شود برخی خدمات درمانی که بخش قابل توجهی از آن از طریق خرید خدمت ارائه می‌شود، دچار اختلال گردد و بیمه‌شدگان و بازنشستگان با وقفه و مشکلات اجرایی مواجه شوند. آشکار است که تأخیر یا عدم پرداخت به موقع حق بیمه‌ها تأثیر منفی گسترده‌ای بر گردش کار و اجرای تعهدات سازمان دارد و فشار بر منابع مالی آن، هم در حوزه درمان و هم در پرداخت مستمری‌ها، مشکلات عملیاتی و مالی جدی ایجاد می‌کند.